

مکعب سفید

گزارشی از نمایشگاه
مریم میرزایی کجوری در گالری آتبین
بداهه‌هایی بی‌خاطر ه

آرزو جعفریان

■ نمایشگاه نقاشی‌های مریم میرزایی کجوری با عنوان «روزهای بی‌خاطره» جمعه نهم اردیبهشت ماه در گالری «آتبین» گشایش یافت. این نمایشگاه شامل هفت اثر اکریلیک روی بوم است که با تم موضوعی بی‌حوصلگی، روزمرگی و روزها و لحظه‌های بی‌رمق و خسته‌کننده به تصویر کشیده شده است. مریم میرزایی که در سال ۲۰۱۰ توانست آثارش را در لس‌آنجلس و گالری سجوین آمریکا به نمایش در آورد معمولا نقاشی انتزاعی اکسپرسیونیستی رادستمایه آثار خود قرار می‌دهد اما در جدیدترین آثارش با توجه به تم موضوعی آنها از میزان «هیجان» و «انرژی» آثار کاسته و سعی کرده با بهره‌گیری از رنگ‌های خاکستری و مشکی خاکستری سکون و بی‌رمقی لحظه‌ها را به تماشا بگذارد. او که از سال ۷۲ به صورت حرفه‌ای با کار در گرافیک وارد عرصه هنر شد در سال ۷۵ در رشته کارشناسی نقاشی در دانشکده هنر و معماری تهران مشغول به تحصیل شد و اکنون چند سالی است به صورت مستمر سالی یک نمایشگاه انفرادی در گالری آتبین برگزار می‌کند. میرزایی در مورد شکل‌گیری مجموعه «روزهای بی‌خاطره» می‌گوید: این مجموعه با عنوان «روزهای بی‌خاطره» است که همانند آسمش متعلق به روزهای بی‌خاطره است. مدت‌ها بود که قصد داشتم این کار را شروع کنم اما برای نشان دادن این خالی بودن‌ها و بی‌خاطرگی‌ها احتیاج به یک قدرت داشتم که احساس کردم با تجربه‌ای که در طول این سال‌ها به دست آوردم می‌توانم این کار را شروع کنم در نهایت این موضوع و انتخاب کردم و این مجموعه را کار کردم. من همیشه فی‌البداهه کار می‌کنم و هیچ پیش‌مینه‌ای از قبل از فرم کار در ذهنم نیست و فقط رنگ‌ها و موضوع مد نظرم هستند. او در این آثار از چند رنگ به‌خصوص که بی‌حوصلگی و خالی بودن فضای احساسی را بیش از پیش نشان می‌دهد استفاده کرده است که میرزایی در این مورد می‌گوید: به نظر من در این آثار، رنگ‌ها از موضوع پیروی می‌کنند. این رنگ خاکستری بی‌تفاوت و خنثی خاصیت‌ها و ویژگی‌های سمبلیک را نشان می‌دهد برای همین دوست داشتم در روزهای بی‌خاطره از خاکستری و تونالیته‌های خاکستری به اضافه مشکی و برای یک مقداری کنتراست از سفید استفاده کنم. من همیشه در مجموعه‌های مختلف آثارم از ویژگی‌های سمبلیک رنگ‌ها استفاده می‌کنم.

گل‌های شمعدانی در پس زمینه و وسط این فضا‌های خالی میان این بی‌خاطرگی‌ها نمایان هستند که بیننده را به یاد قدیم‌ها و گیاه شمعدانی خانه مادر بزرگ‌ها و نوستالژی مشترک سال‌های دور مان می‌اندازد و آن فضا‌ها را برایمان زنده می‌سازد. هنرمند با توجه به مجموعه آثار قبلی‌اش با عنوان کلاغ و شمعدانی از این گل‌ها در آثارش استفاده کرده که در این باره می‌گوید: این گل‌ها را به عنوان شمعدانی استفاده کردم و احساس کردم دوست دارم کمی احساس لطیف ایرانی بودن به همراه رنگ فیروزه‌ای و فرم‌های ایرانی در کنار گرایش جغرافی‌ی فرهنگی خودم در کار وجود داشته باشد و این آثار صرافاً بستره و صرفاً احساس شخصی نباشد. من کاملاً احساسی کار می‌کنم احساسی که از مردم و اطرافم می‌گیرم را روی بوم پیاده می‌کنم. این فضا‌های خالی اکسپژن کار من است، ما در قسمت خالی همیشه به دنبال خالی بودن‌های مان هستیم و در آن در پی چیزهایی که دوست داریم می‌گردیم. فرهاد آذрін، مدیر گالری آتبین در مورد روند کاری آثار هنریم مریم میرزایی کجوری طی این سال‌ها می‌گوید: نمایشگاه مریم میرزایی سالی یکبار در گالری آتبین است و من این را جزو امتیازات او می‌دانم که حد اکثر سالی ۲۰ تابلو کار می‌کند. من مخاطب پذیری کار او را می‌پسندم. خوشبختانه مریم میرزایی طی این سال‌ها که من شاهد روند کاری‌اش بودم به یک امضا و شناسه در کار رسیده است. سبک و نگاه مخصوص به خود را در آثارش پیدا کرده که این را می‌توان یک امتیاز شمرد که در محدوده آن نگاه قدم می‌زند و تجربه می‌کند. به نظر من این شیوه درستی است که نشان می‌دهد راه این هنرمند را درستی است که ادامه دارد و می‌توان به ادامه آن امیدوار بود. اتفاقی که از پنج سال پیش تاکنون برای این هنرمند افتاده قابل بررسی است که ما هم با کمک نشر به هنر معاصر می‌خواهیم کتابی از آثار او به چاپ در آوریم. در آخر می‌توان به اتفاق جدیدی که در آثار میرزایی افتاده و ما شاهد آن بوده‌ایم، اشاره کرد که فضای آثارش نسبت به قبل سبک‌تر شده است. در قدیم رنگ‌های آثارش تندتر بود. خشونت رنگ‌ها بیشتر بود و اکنون با اینکه احساس می‌کنم از جسارت بوم کم نشده اما بوم‌ها سبک‌تر شده‌اند و ما وقتی در فضای گالری قدم می‌زنیم با احساس ملایم‌تری مواجه هستیم. از دیگر مسایلی که در آثار این هنرمند برای من بسیار جذاب است شعور او در رنگ است که چطور با محدوده رنگی که برای هر نمایشگاهی انتخاب می‌کند که واریاسیون رنگی‌اش هم بالا نیست می‌تواند تنوع خوبی را به ما بدهد.



آیدین آعداشلو

نقاشی معاصر ایران مسیری فشرده، کوتاه‌شده و انباشته را از اوایل قرن چهاردهم شمسی آغاز کرد. نقاشی مکتب زنده قاجار، خیلی پیشتر از آن، به وسیله محمد غفاری (کمال‌الملک) به شیوه هنر واقع‌گرایی اروپای قرن نوزدهم تغییر یافت و او که از ربع آخر قرن سیزدهم هجری قمری نقاش مهم و معتبر دوران‌ش شده بود، این شیوه را ادامه داد و از طریق مدرسه و کارگاهش و شاگردان مستعدش اشاعه داد و تثبیت کرد.

کمال‌الملک در تبعیدی خودخواسته در سال ۱۳۱۹ شمسی در خراسان در گذشت و در فاصله کوتاهی پس از او حدود پنج، شش سال بعد، اولین گروه مدرنیست‌هایی که در اروپا تحصیل کرده بودند به ایران بازگشتند و نهضت هنر مدرن نیمه قرن بیستم آنجا را تقلید و عرضه کردند و در طول این زمان مختصر، جهش و فشردگی و شتاب به صورت خصلت و موقعیتی غیر قابل اجتناب درآمد و در همه‌ها و غوغای دورانی که در آن چشم‌ها به الگوهای غربی دوخته شده بود، از یک سو تقلید و نسخه‌برداری از هر سبک و مکتبی که در طول صد سال در هنر اروپا به تدریج و به دنبال هم شکل گرفته و پدید آمده بود لازم و واجب به نظر می‌آمد. از سوی دیگر به خاطر فرصت اندکی که در پیش رو بود مجال چندانی برای درنگ و خلاقیت اصیل فراهم نیامد و اکنون که نزدیک به یک‌صد سال از عمر و تاریخ غربی شدن نقاشی سنتی ایران گذشته است، شاید در نگاهی گسترده بتوانیم به موقعیت خاص آن نظر افکنیم و اوج‌ها، فرودها و کاستی‌ها، حلقه‌های گمشده آن را بهتر و درست‌تر ببینیم و درک کنیم.

جریان اصلی و شناخته‌شده‌ای که نقاشی غربی را به تدریج جایگزین هنر سنتی قرن سیزدهم هجری قمری ایران کرد، عموماً به کمال‌الملک و شاگردان برجسته‌اش منسوب می‌شود، اما در تداوم آن تقریباً هیچ یک از شاگردان او – به استثنای دون نفر – توجهی به مکتب‌امپرسیونیسم تکمیل‌کننده آن نشان ندادند و به همان شیوه آکادمیک همیشگی‌شان وفادار ماندند و اگر محور جریان‌های هنری رایج در اواخر عصر کمال‌الملک را به مدرسه و شاگردان او منحصر کنیم، شاید چنین به نظر بیاید که در فاصله چند سال میانی آکادمیسم کمال‌الملکی و کوبیسم ضیاء‌پور و دیگر پیشگامان آن روز‌ها، جریان قابل توجه دیگری حضور موثری نداشته است که این نوع



نقاشی: جعفر پتگر



نقاشی: علی اصغر پتگر



نقاشی: حبیب محمدی

نقاشی‌های نوشین ایپکچی در گالری دی

شرق: نمایشگاه نقاشی‌های نوشین ایپکچی جمعه ۱۳ اردیبهشت در گالری دی افتتاح می‌شود. در این نمایشگاه ۱۶ اثر بابعاد متفاوت از ۴۰×۶۰ تا ۱۸۰×۲۸۰ با تکنیک رنگ روغن و مدادرنگی در معرض دید عموم قرار می‌گیرد. موضوع آثار و بیشتر وجوهانی سنتی دارد و شامل رقص دسته‌جمعی سماع با رنگ‌های قهوه‌ای و نارنجی، اناری زنان قاجار و زنانی با چادرهای رنگی گلدار که به زیارت امامزاده می‌روند، می‌شود. آثار او کمتر به جزییات می‌پردازد اما می‌توان گفت در دسته رئالیسم قرار می‌گیرد و چیزی بین مدرن و کلاسیک

است. نوشین ایپکچی متولد تهران است و کارشناسی طراحی پارچه و نقاشی از کالج هنری منچستر دارد. او در نمایشگاه‌های گروهی و انفرادی متعددی در گالری‌های گلستان، سجوین، حسینی و فرهنگسرای نیاوران شرکت داشته است. این نمایشگاه تا سه‌شنبه سوم خرداد در گالری دی دایر است و علاقه‌مندان می‌توانند همه‌روزه از این آثار دیدن نمایند. شایان ذکر است گالری دی واقع در خیابان نیاوران، ابتدای پاسداران، تنگستان چهارم، کوچه ناز یک، پن‌بست ترانه، پلاک سه است.

مقدمه‌ای مختصر بر آثار استاد علی اصغر پتگر ودوران او*

حلقه نادیده نقاشی معاصر ایران



از راست: ناصر علی اصغر وینا، پتگر در سال ۱۳۵۵ / عکس: فانی پتگر

روسیه می‌آمد که خود، از قرن هجدهم میلادی به بعد، به غربی شدن جامعه خود راه داده بود و در مدتی کمتر از صد سال چنان افتاد که نسل پرشمار و پرکاری از هنرمندان روس، نوعی رئالیسم روسی را توانستند، شکل دهند و در اواخر قرن نوزدهم، ایلیا ریپین و پیروانش، به امپرسیونیسم فرانسوی در حال گسترش علاقه‌شان دادند و آثار قابل توجهی را در این سبک به وجود آوردند.

این نوع امپرسیونیسم روسی در میان هنرمندان ایرانی‌الصل ساکن روسیه و قفقاز نیز رواج یافت و هنرمندانی از میان آنان –استادانی چون میر مصور، رسام ارزنگی و حبیب محمدی– به ایران آمدند و در تبریز و بعداً در رشت و تهران کار کردند و به تعلیم روش‌های خود به شاگردان‌شان پرداختند. هنرمندان همین شاخه بودند که مستقلاً و بدون پیروی از مکتب کمال‌الملک و شاگردان او امپرسیونیسم روسی –و بعداً رئالیسم سوسیالیسم روسی– را ترویج دادند و هنرمندان جوان‌تری چون پتگرا و عباس کاتوزیان و دیگران را تحت تأثیر تعلیم و دستاوردهای خود قرار دادند. با تأسیس دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، تنی چند از شاگردان کمال‌الملک – مانند استاد علیمحمد حیدریان – و هنرمندان مدرنیستی که از دانشگاه‌های اروپایی فارغ‌التحصیل شده بودند و تعدادی معلمان خارجی، مدرنیسم را در جدی جدی رسمیت بخشیدند و جانداختند و از سال ۱۳۳۰ به بعد به تحویق فراینده همین روش دنبال شد تا دهه ۴۰ شمسی که مکتب‌هایی تلفیقی چون «سقاخانه» و «خط-نقاشی» پدیدار شد که هدف دستیابی به «هنر محلی و ملی مدرن‌شده» را دنبال می‌کرد که همچنان تا به امروز هم تداوم یافته است.

بخشی از هنرهای تجسمی ایران در فاصله سال‌های بین ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۰، تحت‌الشعاع «مدرنیسم» مطرح و معاصر جهانی و نماینده‌های ایرانی آن قرار گرفت و به عمد از جانب بسیاری از علاقه‌مندان و محققان آن دوران در معرض بی‌اعتنایی قرار گرفت و مهجور ماند. این بخش مجموع هر سه وجه «نگار گران»، «مکتب کمال‌الملک و نقاشی واقع‌گر» و «امپرسیونیست‌های مکتب روس» را شامل می‌شد و تحت بر چسب «نقاشی بازار» به کنج فراموشی رانده شد.

مسبب این نفی و انکار، اشاره و اتهام به جنبه «تقلیدی» آنها بود که عنوان می‌شد از سنت نگارگری قدیم ایرانی یا از نقاشی آکادمیک اروپایی یا امپرسیونیسم روسی الگوبرداری می‌شدند و حتی استثنایی چون رسام ارزنگی که سعی داشت نقاشی واقع‌گرا و نقاشی خیالی مکتب قاجار را تلفیق و همراه کند نیز نادیده گرفته شد، هر چند که بعضی از مدرنیست‌های اولیه ایرانی –مانند جلیل ضیاء‌پور– با علاقه، تلفیق میان فرهنگ ملی و محلی و هنر مدرن را دنبال می‌کردند.

اما به هر حال هنرشناسان و اهل قلم، نقد و روشنگری کوشش چندانی برای یافتن و کشف حلقه و



بخشی از اثر

رابط مهمی چون امپرسیونیسم ایرانی در سال‌های ۲۰ به کار نبردند و اغلب آکادمیسم کمال‌الملک را یکسره به تجربه‌های مدرنیست‌های بعدی اتصال دادند. هنرمندانی چون میر مصور، رسام ارزنگی، حبیب محمدی و جعفر و علی اصغر پتگر، راهکارهای مطلوب‌شان را – که حد فاصلی بود میان آکادمیسم و مدرنیسم– دنبال کردند و هر یک با شیوه خاص خود ارتباط با ایشخور اولیه‌شان را نگاه داشتند. در میان ایشان، جعفر و علی اصغر پتگر هر دو به تعلیم نقاشی پرداختند و آموزشگاه‌های مطرح و مشهوری را بنا نهادند و سال‌های دراز به موارات هنرستان‌ها و دانشکده‌های هنرهای زیبا، نسل‌هایی از هنرمندان بعدی را پروراندند و عرضه کردند و از همین راه بود که علی‌اصغر پتگر، بی‌نیاز بسا بی‌علاقه به فروش آثارش، زندگی خود و خانواده‌اش را با عزت و مناعت طبع گذراند. درباره تکتک این هنرمندان حرفه‌ای و پرسشور و پرکار – که اغلب مدرنیسم، رایج آن روز‌ها را بر نمی‌تابیدند و همچنان تنور جدال «کهنه و نو» را گرم نگاه می‌داشتند و از جانب مدرنیست‌ها مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گرفتند– باید تحقیق کرد و نوشت و جایگاه‌شان را در تاریخ هنر معاصر ایران تعیین کرد و به آنان بازگردانید و به یاد داشت که این بی‌اعتنایی طولانی همچنان ادامه دارد؛ آثار‌شان را در جایی نمی‌شود تماشا کرد و هیچ موزه یا مجموعه‌ای، بخشی را به کار و دوران و حاصل عمر آنان اختصاص نداده است و نمونه‌های آثار باقی‌مانده از آنان را جز در خانه‌های بازماندگان شان نمی‌توان سراغ کرد. منظره‌های استادانه و دلپذیر حبیب محمدی از شهر و روستا، تابلوهای عظیم تاریخی و حماسی میر مصور، آبرنگ‌های لطیف و شیرین رسام ارزنگی، کارهای دقیق و ماهرانه جعفر پتگر و نقاشی‌های اجتماعی مملو از مهر، شفقت و جست‌وجوگری علی اصغر پتگر، یکسره از معرض دید، دوری و جمع‌بندی درست دور مانده است و این جفایی است در حق این دوره مهم و این حلقه نادیده‌مانده نقاشی معاصر ایران که جبران آن کار آسانی نیست.

تماشای نمایشگاه گزیده آثار استاد علی اصغر پتگر امکان و فرصت مناسبی را فراهم می‌آورد تا تماشاگر کنج‌ها و بتواند دوران‌شناسی هنر معاصر ایران را دنبال کند و با تماشای خود چهره‌نگاری‌ها، صورت‌های نزدیکانش، منظره‌های امپرسیونیستی ساده، حیاط‌های کوچک آفتابگیر، مرد‌ها و زن‌های مشغول کار، طبیعت بی‌جان‌ها، انبوه مردمان گردآمده در مکان‌های عمومی، چشم‌اندازهای شهری و موضوع‌های متنوع دیگر بتواند جهان ذهنی و تصور هنرمند از وظیفه و تعهد هنرمند دوران‌ش را واضح‌تر ببیند و تعریف او را از زیبایی، مهر، خیر و خوشی و درستی، در یابد و از راه این دریافتن، هنرمند کوشا، فروتن و ساده را تحسین کند.

*نمایشگاه منتخب آثار علی اصغر پتگر تا ۱۰ خرداد در گالری هنر دی بر پاست

کاسنپت

نگاهی به هنر آی‌وی‌وی هنرمند
مفهوم‌گرای چینی
لظفا روی ما راه نروید

علیرضا امیر حاجبی

■ خبر دستگیری «آی‌وی‌وی» (Ai Wiewei) هنرمند صاحب‌نام چینی در فرودگاه پکن برای جامعه هنری جهان تعجب‌آور بود. وی که قصد داشت به هنگ کنگ سفر کند، توسط پلیس در فرودگاه متوقف و بازداشت شد. این دستگیری اولین نمونه از برخورد دولت کمونیستی چین با هنرمندان این کشور است. البته دولت چین مدت‌هاست با دستگیری بلاگرا‌ها و نویسندگان قدرت خود را به رخ مخالفان کشیده است. لیوژیو بائو برنده جایزه صلح نوبل سال ۲۰۱۰ به دلیل انتقاد از سیاست‌های چین به ۱۱ سال زندان محکوم شد. آی‌وی‌وی برای همه مردم چین نام شناخته‌ای شده است. کارگردان هنری مراسم افتتاحیه و اختتامیه بازی‌های جهانی المپیک ۲۰۰۹ در پکن، وی چند ماه بعد از موفقیت درخشان‌اش در اجرای برنامه‌های هنری المپیک به یکی از منتقدان عملکردهای اجتماعی و فرهنگی حکومت تبدیل شد و تاوان‌اش را نیز پرداخت کرد: «ضرب و شتم شدید توسط افراد ناشناس به حدی بود که دچار نوعی ضایعه مغزی شد. دستگیری وی‌وی باعث نگرانی همکاران، وکیل و بسیاری دیگر از دست‌اندرکاران هنر جهان شده است. گالری معتبر ساچی، انجمن بین‌المللی مدیران موزه‌ها، MOMA، موزه ملی هنر مدرن فرانسه و گالری تیت مدرن لندن که چند سال پیش میزبان اثر مفهومی «تخم گل‌های آفتاب‌گردان» وی بود با افتتاح یک بخش ویژه در وب‌سایت‌های خود به حمایت از این هنرمند بر جسته چینی پرداخته‌اند اما هنر آی‌وی‌وی تفاوت زیادی با کلام او دارد. وی هنرمندی مفهومی است و آثار بسیاری را در زمینه چیدمان در جهان به نمایش گذاشته است.

مهم‌ترین اثر مفهومی این هنرمند چینی «تخم گل آفتاب‌گردان» در اکتبر ۲۰۱۰ میهمان گالری تیت مدرن لندن بود. صدها میلیون تخم گل آفتاب‌گردان ساخته شده از جنس پرسین یا همان ماده اولیه سرامیک. این مجموعه عظیم ساخته شده توسط اهالی شهر کوچکی به نام ژونیک درنگ باعث جلب توجه بسیاری از کارشناسان هنر مفهومی جهان شد. تمامی این تخم‌های سرامیکی تک‌تک توسط ۱۶هزار لعاب‌کار و هنرورز چینی با قلم‌مو و لعاب رنگ‌شد تا کاملاً شبیه به تخم‌های آفتاب‌گردان شود اما یک اشکال فنی باعث شد تا دهه آی‌وی‌وی به طور کامل اجرا شود. استفاده از خاک پرسین نامرغوب به منظور کاهش هزینه پیامدهایی در پی داشت. وی‌وی قصد داشت پس از بخش کردن تمامی دانه‌ها روی زمین اجازه دهد تا بازدیدکنندگان از روی آنها رد شوند و ارتباطی فیزیکی بین انسان و محیط برقرار شود. چندروز اول نمایشگاه این ایده به خوبی اجرا شد. اما پس از یک هفته گردوغبار خاک پرسین به هوا برخاست. این گرد سفیدرنگ باعث آسیب‌های ربوی می‌شود و به همین دلیل بود که مدیریت تیت مدرن راه رفتن روی تخم‌های آفتاب‌گردان را ممنوع کرد و میان کنش (Interact) محیط، ماده و مخاطب از میان رفت و ارتباط مخاطبان، صرفاً به دیدن اثر از فاصله محدود شد. جنس‌های چینی بار دیگر در آزمایش کیفیت نمره بسیار منفی گرفتند! نمای بصری اثر وی‌وی بدون اغراق بی‌همتا و شگفت‌انگیز است. میلیون‌ها تخم آفتاب‌گردان سرامیکی که بازنمایان گر جمعیتی انبوه و کثرت در کشوری است به نام چین. این تعداد بذر نماینده مفهوم «بی‌نهایت» است. بی‌نهایتی که قرار بود به مانند فرش زیر پای بازدیدکنندگان تیت مدرن پهن شود. حال اروپاست که روی دست ساخته‌های بی‌همتا هستند زیرا با دست رنگ آمیزی شده‌اند، هر کدام نمایانگر یک فردیت و یک لعاب‌کار است. روش ساخت این تخم‌های آفتاب‌گردان نیز کاملاً بر اساس ساخت سرامیک‌های سنتی چین است. همان لعاب‌کاری و همان پخت. روشی غیر صنعتی در شهری دورافتاده از پایتخت. ژوئیت بینگهام نمایشگاه آی‌وی‌وی دربراه اثر این هنرمند چینی می‌گوید: «اثر وی‌وی زیبا، تند، تلخ و تحریک‌کننده است. تفکر پنهان شده پشت این مجسمه‌های بسیار عمیق‌تر از ایده راه رفتن صرف روی دانه‌هاست. سبک تولید، نوع چیدمان و خلاقیت اثر نشانگر موقعیت تمامی انسان‌های این عصر است.» بینگهام می‌نویسد: «پرسش اصلی در این اثر شاید چند لایه و متنوع باشد اما اصلی‌ترین پرسش این است که فردیت در جامعه امروزی به چه معنی است؟ یا در کنشی اجتماعی بی‌مفهوم و بی‌قدرت شده‌ایم یا اینکه امیال ما در چه چیز متبلور می‌شود؟ ماده‌گرایی؟ تکثر مفاهیم برای جامعه؟ محیط؟ آینده؟» پرسش‌های مطرح‌شده از طرف بینگهام کاملاً فلسفی است و نمایانگر این نکته است که هنر مدرن به هیچ عنوان معناپاخته نیست و منتقدان در این زمینه حرف زیادی برای گفتن ندارند. تاویل آثار مفهومی درجات استعلا بی هنر ناب و تجلی آن در جهان معاصر را به همگان ارایه می‌دهد. آیا چیدمان وی‌وی با زندگی روزمره در ارتباط است؟ بله. آیا با مفاهیم بنیادین فلسفه مدرن از جمله پلورالیسم، سرمایه‌داری، فردگرایی در ارتباط است؟ پاسخ مثبت خواهد بود. این جادوی هنر معاصر است: ملموس‌ترین پدیده‌ها در کنار و همنشینی انتزاعی‌ترین مفاهیم فلسفی.